

بررسی ویژگی‌های زنان سرپرست خانوار

در ایران

فاطمه ربیعی

صفیه میرزایی

معصومه محمدی



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

زمستان ۱۳۹۰

پیش‌گفتار

تلاش سازمان‌های بین‌المللی، به‌خصوص سازمان ملل متحد، دسترسی به توسعه پایدار و ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی است و یکی از راه‌های نیل به این هدف از بین بردن تبعیض‌های جنسیتی و ارتقاء شاخص‌های توسعه برای نیمی از جمعیت جهان است. آمارها و شاخص‌های مربوط به وضعیت زنان و مردان، مورد نیاز برنامه‌ریزان و سیاستگذاران است تا با استفاده از آن‌ها نقش افراد در جامعه، اقتصاد و خانواده مشخص شود. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی که در هر جامعه‌ای اتخاذ می‌شود، حتی اگر به طور مستقیم بیان نشود، تحت تأثیر عوامل جنسیتی است. آمارهای جنسیتی ویژگی‌های کل جامعه را که متشکل از مردان و زنان است نشان می‌دهد. بررسی و تحلیل آمارهای جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها و تعیین سیاست‌های مناسب بسیار حایز اهمیت است، چرا که بدون اشراف به تفاوت‌ها در عملکرد و تأثیر سیاست‌ها بر گروه‌های مختلف از جمله مردان و زنان، تدوین سیاست‌های مناسب و دسترسی به آن‌ها مقدور نیست.

این طرح با همکاری خانم‌ها فاطمه ربیعی (مجری طرح)، صفیه میرزایی و معصومه محمدی (همکاران طرح) انجام شده است که بدین وسیله از زحمات آنان تقدیر و تشکر می‌شود. همچنین از خانم اعظم حنیفی که زحمت تایپ و تدوین این گزارش را بر عهده داشتند نیز تشکر می‌شود.

پژوهشکده آمار در انجام این بررسی از همکاری مالی و فنی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد UNFPA در ایران بهره برده است که از همکاری آنان صمیمانه تشکر می‌شود.

امید است اطلاعات ارائه شده در این بررسی، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را یاری دهد و نظرات و پیشنهادات آنان نیز مطالعات آینده کارشناسان مرکز را پربارتر سازد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۱
مروری بر فعالیت‌های گذشته	۲
تعریف مفاهیم، تئوری‌ها و قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار	۴
خانواده و خانوار	۴
سرپرست خانوار	۵
تئوری‌های مرتبط با جنسیت و زنان سرپرست خانوار	۶
قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار	۸
بخش ۱- ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی سرپرستان خانوار	۱۱
فصل ۱- ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی سرپرستان خانوار	۱۳
۱-۱- ترکیب جنسی	۱۳
۲-۱- ساختار سنی	۱۴
۳-۱- نسبت وابستگی	۱۶
۴-۱- تعداد افراد در خانوار	۱۷
۱-۱-۴- تک‌سرپرستان	۱۸
۵-۱- ترکیب خانوار	۲۰
۶-۱- وضع زناشویی	۲۲
۷-۱- توزیع جغرافیایی	۲۴
۸-۱- وضع سکونت	۲۶
۹-۱- وضع سواد و تحصیلات	۲۷
فصل ۲- ویژگی‌های اقتصادی سرپرستان خانوار	۳۱
دلایل استفاده از آمارهای هزینه به جای درآمد	۳۱
۱-۲- هزینه‌های خانوار	۳۳
۱-۲-۱- تعداد افراد خانوار در دهک‌های هزینه سالانه	۳۴
۲-۱-۲- وضع سواد و تحصیلات در دهک‌های هزینه سالانه	۳۶
۳-۱-۲- وضع فعالیت در دهک‌های هزینه سالانه	۳۸
۴-۱-۲- وضع شغلی در دهک‌های هزینه سالانه	۴۰

۴۲ ترکیب هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی
۴۴ ۲-۲- وضعیت فعالیت و اشتغال
۴۵ ۲-۲-۱- نرخ مشارکت اقتصادی سرپرستان خانوار
۴۷ ۲-۲-۲- نرخ بیکاری
۴۹ ۲-۲-۳- غیرفعالان
۵۱	بخش ۲: ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان خانوار نوجوان و سالمند
۵۳	فصل ۱- ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان خانوار نوجوان
۵۳ ۱-۱- ترکیب جنسی سرپرستان خانوار نوجوان
۵۴ ۲-۱- تعداد افراد در خانوارهای دارای سرپرست نوجوان
۵۵ ۳-۱- وضع زناشویی سرپرستان خانوار نوجوان
۵۷ ۴-۱- وضع سکونت سرپرستان خانوار نوجوان
۵۸ ۵-۱- وضع سواد و تحصیلات سرپرستان خانوار نوجوان
۶۰ ۶-۱- نرخ مشارکت اقتصادی سرپرستان خانوار نوجوان
۶۱ ۷-۱- نرخ بیکاری سرپرستان خانوار نوجوان
۶۳	فصل ۲- ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی سرپرستان خانوار سالمند
۶۳ ۱-۲- ترکیب جنسی سرپرستان خانوار سالمند
۶۴ ۲-۲- تعداد افراد در خانوارهای دارای سرپرست سالمند
۶۵ ۳-۲- وضع سکونت سرپرستان خانوار سالمند
۶۶ ۴-۲- وضع زناشویی سرپرستان خانوار سالمند
۶۷ ۵-۲- وضع سواد و تحصیلات سرپرستان خانوار سالمند
۶۸ ۶-۲- نرخ مشارکت اقتصادی سرپرستان خانوار سالمند
۷۰ ۷-۲- نرخ بیکاری سرپرستان خانوار سالمند
۷۲	نتیجه‌گیری
۷۳	منابع

فهرست جداول

- جدول ۱- نسبت جمعیت برحسب جنس: ۸۵-۱۳۵۵ ۱۳
- جدول ۲- نسبت سرپرستان خانوار برحسب جنس: ۸۵-۱۳۵۵ ۱۴
- جدول ۳- نسبت سرپرستان خانوار به تفکیک گروه سنی: ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ ۱۵
- جدول ۴- نسبت وابستگی سرپرستان خانوار: ۸۵-۱۳۷۵ ۱۶
- جدول ۵- توزیع نسبی سرپرستان خانوار برحسب تعداد افراد در خانوار: ۱۳۸۵ ۱۷
- جدول ۶- توزیع سنی زنان سرپرست خانوار یک نفره: ۱۳۸۵ ۱۹
- جدول ۷- توزیع سنی زنان سرپرست خانوار یک نفره بر حسب وضع زناشویی: ۱۳۸۵ ۱۹
- جدول ۸- سرپرستان خانوار برحسب ترکیب اعضای خانوار: ۸۵-۱۳۷۵ ۲۱
- جدول ۹- توزیع وضع زناشویی سرپرستان خانوار: ۸۵-۱۳۷۵ ۲۲
- جدول ۱۰- توزیع وضع زناشویی سرپرستان خانوار بر حسب سواد: ۱۳۸۵ ۲۳
- جدول ۱۱- نسبت زنان سرپرست خانوار برحسب وضع زناشویی و سن: ۱۳۸۵ ۲۳
- جدول ۱۲- نسبت سرپرستان خانوار بر حسب جنس در مناطق شهری و روستایی: ۱۳۸۵ ۲۵
- جدول ۱۳- سرپرستان خانوار به تفکیک جنس در مناطق شهری و روستایی: ۸۵-۱۳۷۵ ۲۶
- جدول ۱۴- سرپرستان خانوار به تفکیک سن در مناطق شهری و روستایی: ۱۳۸۵ ۲۷
- جدول ۱۵- سرپرستان خانوار برحسب جنس و وضع سواد: ۸۵-۱۳۷۵ ۲۸
- جدول ۱۶- سرپرستان خانوار برحسب جنس، سن و وضع سواد: ۱۳۸۵ ۲۸
- جدول ۱۷- نسبت سرپرستان خانوار برحسب جنس و سطح تحصیلات: ۸۵-۱۳۷۵ ۲۹
- جدول ۱۸- خانوارهای دارای سرپرست زن در دهک‌های هزینه سالانه: ۱۳۸۷ ۳۴
- جدول ۱۹- خانوارهای شهری برحسب جنس سرپرست و تعداد افراد خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه -۱۳۸۷ ۳۵
- جدول ۲۰- خانوارهای روستایی برحسب جنس سرپرست و تعداد افراد خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه - ۱۳۸۷ ۳۶
- جدول ۲۱- خانوارهای شهری برحسب جنس و سطح سواد سرپرست در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه-۱۳۸۷ ۳۷
- جدول ۲۲- خانوارهای روستایی برحسب جنس و سطح سواد سرپرست در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه-۱۳۸۷ ۳۸
- جدول ۲۳- خانوارهای شهری برحسب جنس و وضع فعالیت سرپرست خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه - ۱۳۸۷ ۳۹
- جدول ۲۴- خانوارهای روستایی برحسب جنس و وضع فعالیت سرپرست خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه -۱۳۸۷ ... ۴۰
- جدول ۲۵- خانوارهای شهری برحسب جنس و وضع شغلی سرپرست خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه -۱۳۸۷ ۴۱
- جدول ۲۶- خانوارهای روستایی برحسب جنس و وضع شغلی سرپرست خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه -۱۳۸۷ ۴۲
- جدول ۲۷- درصد متوسط انواع هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی سالانه یک خانوار برحسب جنس سرپرست - ۱۳۸۷ ۴۴
- جدول ۲۸- نرخ مشارکت اقتصادی سرپرست خانوار: ۸۵-۱۳۷۵ ۴۵

- جدول ۲۹- نرخ مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار برحسب وضع زناشویی خانوار: ۱۳۷۵-۸۵ ۴۶
- جدول ۳۰- نرخ بیکاری سرپرستان خانوار: ۱۳۷۵-۸۵ ۴۷
- جدول ۳۱- نرخ بیکاری زنان سرپرست خانوار برحسب وضع زناشویی: ۱۳۷۵-۸۵ ۴۹
- جدول ۳۲- جمعیت غیرفعال زنان سرپرست خانوار به تفکیک وضعیت زناشویی: ۱۳۷۵-۸۵ ۵۰
- جدول ۳۳- نسبت خانوار معمولی دارای سرپرست نوجوان برحسب جنس: ۱۳۷۵-۸۵ ۵۳
- جدول ۳۴- نسبت خانوار معمولی دارای سرپرست نوجوان برحسب جنس و تعداد افراد در خانوار: ۱۳۷۵-۸۵ ۵۵
- جدول ۳۵- وضع زناشویی سرپرست نوجوان خانوار: ۱۳۷۵-۸۵ ۵۶
- جدول ۳۶- وضع سکونت سرپرستان خانوار نوجوان: ۱۳۷۵-۸۵ ۵۷
- جدول ۳۷- وضع سواد سرپرستان خانوار نوجوان: ۱۳۸۵ ۵۸
- جدول ۳۸- وضع تحصیلات سرپرستان نوجوان: ۱۳۸۵ ۵۹
- جدول ۳۹- نرخ مشارکت اقتصادی زنان نوجوان سرپرست خانوار به تفکیک سن: ۱۳۷۵-۸۵ ۶۰
- جدول ۴۰- نرخ بیکاری زنان نوجوان سرپرست خانوار به تفکیک سن ۶۱
- جدول ۴۱- خانوار معمولی دارای سرپرست سالمند بر حسب جنس: ۱۳۷۵-۸۵ ۶۳
- جدول ۴۲- خانوارهای معمولی دارای سرپرست سالمند بر حسب جنس و تعداد افراد در خانوار: ۱۳۷۵-۸۵ ۶۴
- جدول ۴۳- وضع سکونت سرپرستان خانوار سالمند: ۱۳۷۵-۸۵ ۶۶
- جدول ۴۴- وضع زناشویی سرپرستان خانوار سالمند: ۱۳۸۵ ۶۶
- جدول ۴۵- وضع سواد سرپرستان سالمند: ۱۳۸۵ ۶۷
- جدول ۴۶- وضع تحصیلات سرپرستان سالمند: ۱۳۸۵ ۶۸
- جدول ۴۷- نرخ مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار سالمند به تفکیک سن: ۱۳۷۵-۸۵ ۷۰
- جدول ۴۸- نرخ بیکاری زنان سرپرست خانوار سالمند به تفکیک سن: ۱۳۷۵-۸۵ ۷۱

مقدمه

در اکثر نقاط دنیا سرپرستی خانوار توسط مردان، امری پذیرفته شده و مطلوب تر تلقی می شود ولی سرپرستی خانوار توسط زنان در سرتاسر جهان پدیده‌ای رو به رشد است و با توجه به پذیرش نقش‌های مختلف، زنان سرپرست خانوار با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند و در مقایسه با مردان سرپرست خانوار معمولاً درآمد پایین‌تری دارند و در شرایط اقتصادی مناسبی به سر نمی‌برند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد زنان سرپرست خانوار در کشورهای توسعه یافته رو به افزایش است و در کشورهای در حال توسعه نیز با کمی تأخیر زمانی این اتفاق در حال شکل‌گیری است. سطح و روند تغییرات در تعداد زنان سرپرست خانوار از شاخص‌هایی است که تغییرات نهاد خانواده و فرایند شکل‌گیری خانواده را نشان می‌دهد. تحولات ساختار اقتصادی کشورها و به دنبال آن مدرنیته باعث تغییر شکل خانواده از سنتی به مدرن شده است، همچنین افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و رسیدن به استقلال مالی باعث شکل‌گیری وظایف جدید برای زنان می‌شود و نقش مردان به عنوان تنها نان‌آور خانواده کم رنگ می‌شود. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که کاهش وابستگی اقتصادی زنان به مردان یکی از عوامل افزایش نرخ طلاق و متعاقب آن افزایش نسبت زنان سرپرست خانوار است.

هدف عمده این بررسی، مطالعه وضعیت زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان سرپرست خانوار و به طور کلی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آنها در حد داده‌های سرشماری و طرح‌های آماری انجام شده در کشور است که با استفاده از عوامل مختلفی مانند ساختار سنی، وضع زناشویی، وضع سواد و تحصیلات، وضع فعالیت و اشتغال و هزینه و درآمد خانوار صورت گرفته است.

مطالعه حاضر مروری است بر وضعیت زنان سرپرست خانوار کشور در سال ۱۳۸۵ که با استفاده از اطلاعات سرشماری‌های ۸۵-۱۳۵۵ و طرح هزینه و درآمد خانوار، سال ۱۳۸۷ انجام شده است.

نسبت زنان سرپرست خانوار در سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر ۹/۵ درصد گزارش شده است، به عبارت دیگر از هر ۱۰ خانوار در کشور تقریباً یک خانوار تحت سرپرستی زنان بوده است که از این تعداد، ۳۶ درصد به تنهایی زندگی می‌کرده‌اند، این نسبت در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از یک درصد افزایش یافته است. زنان سرپرست شامل زنان مجرد، مادران تنها، زنانی که به دلیل

بیکاری یا از کارافتادگی شوهر سرپرستی خانوار را به عهده گرفته‌اند و یا زنانی هستند که با فرزندان یا یکی از بستگان خود زندگی می‌کنند.

مروری بر فعالیت‌های گذشته

بررسی الیزابت اریاس و آلبرتو پالونی، تحت عنوان «الگوی زنان سرپرست خانوار در آمریکای لاتین» در مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه ویسکونسین، نشان می‌دهد که الگوی شکل‌گیری زنان سرپرست خانوار در کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه متفاوت است. این تصور که از بین رفتن شکل سنتی خانواده و صنعتی شدن جوامع در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش زنان سرپرست خانوار در کشورهای مذکور شده، تفکر غلطی است. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد در این کشورها شباهت‌های قابل توجهی در الگوی سنی و همچنین وضعیت ازدواج زنان سرپرست خانوار، سطح تحصیلات، سطح فقر و نسبت جمعیت شهری - روستایی این زنان وجود دارد.

نتایج بررسی «زنان سرپرست خانوار در کشور فیلیپین» توسط هکروب . مراوا در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که بیش‌تر زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری سکونت دارند و ساختار سنی سالخورده‌تری نسبت به سرپرستان مرد دارند. همچنین درصد بالایی از زنان سرپرست را بیوه‌ها تشکیل می‌دهند و بخش اعظم آن‌ها در بخش خدمات مشغول به کار هستند. همچنین وجود همسر در خانوارهای دارای سرپرست مرد معمول‌تر است.

بررسی فاطمه رضایی با عنوان «بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان خمین» نشان می‌دهد که ۹۶ درصد زنان سرپرست خانوار مورد بررسی، تحصیلات پایین دارند، ۵۰ درصد در مشاغل پایین مشغول به کار هستند، ۳۴ درصد در مشاغل نیمه مهم و ۱۶ درصد نیز هیچ شغلی ندارند. از کل زنان مورد مطالعه ۶۴ درصد دارای درآمد پایین و ۲۴ درصد فاقد درآمد هستند. همچنین در ۳۲ درصد موارد فوت شوهر، ۲۲ درصد بیماری و از کارافتادگی، ۱۸ درصد زندانی بودن شوهر، ۱۲ درصد زنان مطلقه و ۱۶ درصد سایر موارد، علت سرپرستی زن می‌باشد.

«وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران» عنوان طرح پژوهشی است که توسط حسین نازک تبار و رضا ویسی در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. بر اساس این تحقیق، مسایل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زنان سرپرست خانوار از مهم‌ترین مشکلات این زنان است. اعتماد به نفس پایین و عدم خودباوری در بین زنان سرپرست خانوار و وابستگی اقتصادی آن‌ها به شوهران خود منجر به این شده است که بعد از خود سرپرستی، شرایط اقتصادی بسیار نامناسبی برای آن‌ها ایجاد شود. زنان سرپرست در بدترین شرایط از لحاظ برخورداری از لوازم اولیه زندگی به سر می‌برند.

نتایج به دست آمده از تحقیق «فقر درامدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار» توسط ژاله شادی‌طلب، معصومه وهابی و حسن ورمزیار در سال ۱۳۸۴ عبارت است از: نابرابری در فرصت‌ها در تمام طول زندگی زنان سرپرست خانوار، زمانی که مسئولیت خانواده به ناچار بر دوش آن‌ها گذاشته شده، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. نابرابری در دسترسی به آموزش، مشارکت در جریان تصمیم‌گیری‌های خانواده، عدم امکان کسب مهارت، اتکا به مرد خانواده برای تأمین زندگی، همراه یا مستحیل شدن در وظیفه مادری و نادیده گرفتن حتی نیازهای اولیه خود در قبال خشنودی دیگران، به ویژه فرزندان، زنان را از قابلیت‌های لازم برای کاهش فقر محروم نموده است. زن سرپرست خانوار «خود را به قیمت تداوم زندگی و حفظ دیگران» فراموش کرده است.

تعریف مفاهیم، تئوری‌ها و قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار

خانواده و خانوار

در گذشته محققان علوم اجتماعی، خانواده را گروهی از افراد تعریف می‌کردند که روابط آنان با یکدیگر براساس هم‌خونی شکل گرفته بود. بعضی از جامعه‌شناسان، فقط روابط خونی را ملاک نمی‌دانند و معتقدند خانواده: «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند»^۱. صاحب‌نظران سایر حوزه‌های علوم انسانی، تعاریف و تعبیر مشابهی در تعریف خانواده به کار برده‌اند. علاوه بر کارکردهای زیستی خانواده به کارکردهای آموزشی، تربیتی و اقتصادی خانواده نیز باید اشاره کرد. در سال‌های اخیر خانواده‌ها تحولات زیادی مانند روابط زناشویی خارج از چارچوب رسمی و خانواده‌های تک‌والدینی داشته‌اند، به همین دلیل نمی‌توان تعریف جامعی از آن ارائه داد. از این دیدگاه، تصور معمول ما از خانواده، که از یک شوهر، همسر و فرزندان‌شان تشکیل می‌شود، با توجه به ساختار خانواده در سراسر تاریخ بشر، تصور چندان درستی نیست.

«خانواده بیش‌تر در مباحث جامعه‌شناسی و خانوار، که مفهومی اعم از خانواده است، اغلب در موضوعات اقتصادی، جمعیت‌شناسی و آماری به‌کار می‌رود. افراد تشکیل‌دهنده خانوار لزوماً بستگی خویشاوندی با هم ندارند و یک همبستگی اقتصادی و یک‌کاسه بودن بودجه‌ای و زیر یک سقف زیستن به آن‌ها عنوان خانوار می‌دهد و بدین ترتیب خانوار از یک یا چند نفر که زیر یک سقف زندگی کرده و بودجه واحد دارند تشکیل می‌گردد، اما خانواده مبتنی بر ازدواج و خویشاوندی است، از قبیل یک زوج، پدر و مادر و فرزندان، پدر و مادر و فرزندان و نوه‌ها یا ترکیبات دیگری از والدین و سایر اقوام و خویشاوندان»^۲.

در تعاریف بین‌المللی، خانوار یک واحد آماری تعریف شده است که اعضای آن می‌توانند با هم نسبت خویشاوندی داشته باشند و یا نداشته باشند. در طرح‌های آماری، خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم

۱- ساروخانی، باقر؛ دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵

۲- امانی، مهدی؛ جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۴۸

غذا می‌خورند. در مواردی خانوار می‌تواند یک نفره باشد. در طرح‌های آماری و سرشماری‌ها خانوارها شامل خانوار معمولی ساکن، معمولی غیرساکن، گروهی و مؤسسه‌ای می‌باشد. براساس تعریفی که سازمان ملل برای خانوار ارایه کرده، خانوار به دو دسته تقسیم شده است: خانوار تک نفره که در آن فرد به تنهایی امرار معاش می‌کند و خانوار چند نفره که در آن دو یا چند نفر با هم برای گذران زندگی، فعالیت مشترک دارند و دارای درآمد مشترک هستند، این افراد می‌توانند خویشاوند و یا غیرخویشاوند باشند.

سرپرست خانوار

از نظر جامعه‌شناسان سرپرست خانوار یک اصطلاح توصیفی است و به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر اعضای خانوار دارد و معمولاً مسن‌ترین فرد خانوار است و مسئولیت‌های اقتصادی به عهده وی می‌باشد.^۱ با توجه به این که در هر منطقه و کشوری نقش‌هایی که زنان در خانواده به عهده دارند فرق می‌کند، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار وجود دارد. به همین جهت ارائه تعریف واحد برای زنان سرپرست خانوار تا حدودی دشوار است. به عنوان مثال در بعضی از خانوارها علی‌رغم حضور مرد بزرگسال در خانوار، زنان نان‌آور هستند و عملاً خانوار توسط آنان سرپرستی می‌شود ولی مرد را به عنوان سرپرست معرفی می‌کنند. در مجموع حدود ۷۷ تعریف متفاوت از واژه سرپرست خانوار وجود دارد.

بر اساس تعاریف ارائه شده در سرشماری‌ها و طرح‌های مرکز آمار، منظور از سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود. سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد، در خانوارهای یک نفره، همان شخص، سرپرست خانوار است. در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست نباشند، مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌شود.

۱- مک گوگان، ۱۹۹۰

در تعاریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (سازمان بهزیستی، ۸۰-۱۳۷۹).

تئوری‌های مرتبط با جنسیت و زنان سرپرست خانوار

درخصوص جنسیت و مسائل مرتبط با آن تئوری‌های متفاوتی وجود دارد. ریسمن سه تئوری کلی را در این زمینه مطرح می‌کند. اولین دیدگاه بر زمینه‌های زیستی تمایزات جنسیتی اشاره می‌کند که مردان را افرادی قدرتمند برای کسب درآمد می‌شناسد و زنان را به عنوان مرکز خانواده برای پرورش فرزندان و حمایت‌های عاطفی می‌داند. بر اساس این نظریه نوع جنسیت به فرزندان می‌آموزد که چگونه با آن‌ها رفتار شود، مثلاً برای پسرها ماشین و تفنگ می‌خریم و برای دخترها عروسک و لوازم آشپزخانه. دومین دیدگاه بر ساختار اجتماعی تأکید دارد که باعث می‌شود افراد رفتارهایشان را با آن‌ها هماهنگ کنند. زنان و مردان متفاوت عمل می‌کنند، چون جایگاه‌های متفاوتی را در نهادهای مختلف پایگاه‌های شغلی و خانواده دارند. در واقع آن‌ها نقش‌های جنسیتی مختلفی را ایفا می‌کنند. سومین دیدگاه به زمینه‌های فرهنگی افراد اشاره می‌کند. فرد متفاوت عمل می‌کند چون مجبور است و ضرورت ایجاب می‌کند، رفتاری را از خود نشان دهد.

روانشناسان معتقدند یکی از عمده‌ترین منابع استرس برای زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانواده ایفای نقش‌های متعدد در زمان واحد است. عمده‌ترین نقش پذیرفته شده برای مردان نقش نان‌آوری خانواده است و استرس‌های مربوط به نقش مردان وابسته به نقش‌های شغلی آنان است. زنان سرپرست خانوار اداره‌ی امور اقتصادی را بر عهده داشته و استرس‌های مربوط به شغل، حرفه و تنظیم درآمد را به همراه استرس‌های نقش والدینی، تربیتی و حمایت از فرزندان تجربه می‌کنند (Branon, 1999).

با توجه به روند رو به رشد خانوارهای دارای سرپرست زن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آن‌ها مورد توجه و بررسی جامعه‌شناسان قرار گرفته است. یکی از نظرات مطرح شده نظریه‌ی زنانه شدن فقر است که طرفداران این نظریه معتقدند خانوارهای زن سرپرست، نه تنها در همه‌ی کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه روز به روز بر تعداد خانوارهای زن سرپرست کم درآمد اضافه می‌شود. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند، دیده می‌شود. در این کشورها،

به رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرآیند فقیر شدن زنان همچنان ادامه دارد. یکی از مشکلات خانوارهای زن سرپرست، عدم دسترسی این گروه از زنان به مشاغل رده بالاست. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار یا اغلب بیکارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم درآمد هستند، (cf. kissman, 1991; Rodgers; Doobe, 1989; chart, 1989).

مشکل دیگری که بر میزان آسیب‌پذیری این زنان می‌افزاید، حتی اگر در مشاغل رده بالا مشغول به کار باشند، مسئله تنظیم وقت برای انجام وظایف خانه و کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب نظران این دیدگاه اصطلاحاً فقر زمانی نامیده‌اند. یعنی زنانی که به طور تمام وقت و در شبکه رسمی بازار کار می‌کنند، برای انجام وظایف خانگی، رسیدگی به کودکان و انجام امور خود وقت کافی ندارند. هنگامی که فقر زمانی، با فقر مادی همراه شود، این گروه را آسیب‌پذیرتر می‌کند، (cf. kissman, 1991).

می‌توان شرایط حاکم بر زندگی این خانوارها را به صورت زیر خلاصه کرد:
عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر با مردان، سطوح پایین‌تر سواد در بین زنان و فرزندان آنها، درصد بالای افت تحصیلی و بزهکاری کودکان و نوجوانان و مسئله فقر زمانی برای زنان شاغل تمام وقت از ویژگی‌های این نوع خانوارهاست.

بر اساس نظریه ساختی- کارکردی، خانوارهای زن سرپرست، با شکل طبیعی و معمول خانوار در تضادند، در واقع پیدایش این خانوارها، نوعی انحراف محسوب می‌شود. به علت غیبت پدر «شانس‌های زندگی» کودکان تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند و عدم اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند، بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظیفه‌ی سنتی (خانه‌داری) شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود، (cf. chat, 1989).

نظریه‌ی طبقاتی و ناتوانی، فقر و آسیب‌پذیری را یک مسئله طبقاتی می‌داند نه جنسیتی. بر مبنای این نظریه تمام زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند، بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده‌های پائین اجتماع قرار می‌گیرند، بیش‌تر در معرض آسیب هستند. مهم‌ترین شاخص‌های تعیین طبقه فرد درآمد، تحصیل و شغل می‌باشد. در واقع، همه‌ی زنان سرپرست خانوار آسیب‌پذیر و فقیر نیستند، بلکه آن گروهی که درآمد کم‌تر، تحصیل کم‌تر و شغل

کم منزلت تر دارند و در سطوح پائین اجتماعی قرار می‌گیرند آسیب‌پذیرترند. آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار و همه‌ی فقرای دیگر به دلیل فرآیند سیاسی- اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آن‌ها را از دسترسی به شرایط مناسب حیات محروم می‌کند، (cf. Gimenez, 1992).

قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار

در قوانین مصوب جمهوری اسلامی، همچنین مصوبات مجلس در دوره‌های مختلف بر حقوق زنان سرپرست خانوار تأکید شده است. طبق اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف است تا حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. یکی از بندهای مربوط به این اصل ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست است.

از جمله مصوبه‌های مجلس پیرامون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست ماده واحده‌ای است که در آن دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی‌سرپرست موضوع چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام نماید. در تبصره آمده است که دولت باید حتی‌الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن، بیمه‌شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد. این قانون در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

از دیگر مصوبه‌های مجلس می‌توان به قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ اشاره کرد که زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان و دختران بی‌سرپرست و کودکان بی‌سرپرست مشمول این قانون شده‌اند و در آن زنان و کودکان بی‌سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند می‌شوند. حمایت‌های موضوع این قانون شامل موارد زیر می‌باشند:

- حمایت‌های مالی و تهیه امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی مستمر.

حمایت‌های فرهنگی اجتماعی از جمله ارائه خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی، کاربایی، آموزش حرفه و فن جهت اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری و نگهداری زنان سالمند بی‌سرپرست و کودکان بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی آنان به افراد واجد شرایط.